# فهرست مطالب:

[خطبه اول 3](#_Toc424475550)

[صلح امام حسن (ع) 3](#_Toc424475551)

[امامت امام حسن(ع) 4](#_Toc424475552)

[شهادت حضرت علی (ع) 5](#_Toc424475553)

[بیعت امام حسن (ع) 5](#_Toc424475554)

[روحیهی ضعیف مردم در دوران امام حسن (ع) 6](#_Toc424475555)

[چرا امام حسن (ع) صلح کرد؟ 7](#_Toc424475556)

[صلح و جنگ ارزش مطلق نیست 7](#_Toc424475557)

[هدف بزرگ الهی 7](#_Toc424475558)

[مهارت رسول خدا (ص) در جنگ 7](#_Toc424475559)

[تحقق اسلام و گسترش ایمان 8](#_Toc424475560)

[هدف ائمه طاهرین (ع) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) 8](#_Toc424475561)

[تن دادن امام حسن(ع) به شهادت 9](#_Toc424475562)

[حفظ جریان امامت و ولایت 10](#_Toc424475563)

[شرط‌های امام حسن (ع) برای صلح 10](#_Toc424475564)

[صلح امام حسن(ع) برای یک مصلحت بزرگ بود 11](#_Toc424475565)

[خطبه دوم 11](#_Toc424475566)

[واقعهی تنباکو 13](#_Toc424475567)

[متن قرارداد تنباکو 13](#_Toc424475568)

[فتوای تنباکو قرارداد ننگین استعماری را پاره کرد 14](#_Toc424475569)

[هوشیاری دشمن 14](#_Toc424475570)

[درسی که میتوانیم از این واقعه بگیریم 15](#_Toc424475571)

[خانواده 15](#_Toc424475572)

[افزایش طلاق 15](#_Toc424475573)

[مسئله بیکاری و مسائل اقتصادی 16](#_Toc424475574)

[دعا 16](#_Toc424475575)

# خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.** [[2]](#footnote-2)

در ایام آخر ماه صفر هستیم، هم رحلت رسول گرامی خدا(ص)، هم شهادت امام حسن مجتبی(ع) و هم شهادت امام رضا(ع) را تسلیت عرض می­کنم.

# صلح امام حسن (ع)

روایتی از رسول گرامی اسلام (ص) نقل‌شده است که می­فرمایند:

**«أنَّ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ إِمَامَانِ‏ قَامَا أَوْ قَعَدَا»[[3]](#footnote-3)**

حسن و حسین امام شما هستند چه قیام بکنند، چه قیام نکنند.

در تاریخ شیعه و سنی روایات فراوانی از امام حسن و امام حسین(ع) نقل‌شده است.

و پیامبر گرامی اسلام(ص) توجه خاصی به این دو فرزندشان داشتند.

در بین ما این‌طور مشهور است که امام حسن(ع) صلح و امام حسین(ع) قیام کردند.اگر کمی دقیق­تر شویم می­فهمیم که هم در زندگی امام حسن (ع) قیام ، جنگ و صلح بود و همین‌طور در زمان امام حسین (ع) هم قیام و صلح وجود داشت. ولی ازنظر زمانی قبل و بعد آن فرق می­کند.

به‌عبارت‌دیگر امام حسن(ع) در ابتدای دوره­ی امامت خود قیام کردند، لشکر بسیج کردند و بر ضد معاویه جنگ به پا کردند.اما یک مقطع کوتاهی بود.و بعدازآن امام حسن (ع) به دلایلی با معاویه صلح کردند.

زندگی دوره­ی امامت امام حسین(ع) هم به دو قسمت تقسیم می­شود ولی ازنظر زمانی برعکس است.

امام حسین(ع) ده سال از دوره­ی امامتشان همزمان با حکومت معاویه بود و ایشان در این دوره همان صلح امام حسن(ع) را استمرار دادند.

بخش کوتاهی از پایان دوره­ی امامت امام حسین (ع)، دوره­ی قیام امام حسین(ع) بود که ایشان بر ضد حکومت دستگاه بنی‌امیه قیام کردند.

# امامت امام حسن(ع)

دوره­ی اول امامت امام حسن(ع) بعد از شهادت حضرت علی(ع) بود که مردم در کوفه با ایشان بیعت کردند، بر اساس آن بیعت امام حسن(ع) لشکری تجهیز کرد و جنگ بر ضد معاویه را شروع کرد. ولی وقتی حضرت دیدند که این جنگ به پایان خوبی نمی­رسد و بی‌نتیجه است، صلح کردند.

پس امام حسن (ع) اول قیام و بعد صلح کردند.

امام حسین(ع) هم هر دو را داشتند ولی برعکس بود، ایشان اول در طول ده سال در حالت صلح، عدم قیام و جنگ قرار داشت و بعد از مرگ معاویه ایشان بر ضد دستگاه یزید قیام کرد.

بنابراین رسول خدا(ص) می­فرمایند : این دو شخصیت حجت خدا برای شما هستند و پیروی و اقتداء به این‌ها مایه­ی نجات و سعادت شماست. شما دنبال آن‌ها حرکت کنید، رهبری آن‌ها چه قیام کنند و چه صلح رهبری تضمین‌شده است.و در زندگی آن‌ها هم صلح و هم قیام بود.

بنا و قرار امام حسن(ع) بر یک جنگ و کارزار با معاویه بود.یعنی قرار امام حسن(ع) ادامه­ی جنگی بود که حضرت علی (ع) داشتند.

# شهادت حضرت علی (ع)

حضرت علی(ع) در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان ضربت خوردند و بیست و یکم به شهادت رسیدند.

سه چیز در تاریخ مسلم است:

1ـ امیرالمؤمنین(ع) بعد از جنگ صفین، نهروانی­ها و خوارج را سرکوب کرد و ایشان تصمیم داشتند بعد از شکست دادن به خوارج و اصحاب نهروان، ماه مبارک رمضان را در کوفه اقامت داشته باشند و قرار حضرت این بود که بلافاصله بعد از ماه مبارک رمضان به جنگ مجدد معاویه برود.

2ـ در همین ماه مبارک بود که نقشه­ شیطانی خوارج توسط بن ملجم عملی شد و امیرالمؤمنین (ع) به شهادت رسیدند.

# بیعت امام حسن (ع)

و در تاریخ آمده که همان روز شهادت امیرالمؤمنین(ع)، مردم در کوفه با امام حسن(ع) بیعت کردند. قرار امام حسن (ع) بر ادامه­ی همان مبارزه جنگ با معاویه بود. مردم با امام بیعت کردند حضرت خطبه­هایی خواند،تحریص و تشجیع بر جنگ و ضرورت ادامه­ی کارزار با معاویه و قلع‌وقمع ماده­ی فساد و انحراف در عالم اسلام یعنی معاویه داشتند.

بعد از شهادت امیرالمؤمنین(ع) و کارگر افتادن نقشه­ی خوارج در به شهادت رساندن حضرت، ازیک‌طرف معاویه احساس شادمانی، سرور و نشاط در کار پیدا کرد و روحیه گرفت برای اینکه استوانه­ی بزرگ یعنی امیرالمؤمنین (ع) که بر ضد معاویه قد برافراشته بود و تصمیم بر قلع‌وقمع آن ماده­ی فساد داشت فروریخت.و این برای معاویه مایه­ی خوشحالی بود.

از همین جهت است که معاویه و سپاه شام روحیه پیدا کردند. و نقطه­ی مقابل آن، مردم در کوفه روحیه باخته بودند.

سستی­ها، کجی­ها و انحراف­هایی که در مردم کوفه حالت نهفته داشت با شهادت رسیدن امیرالمؤمنین(ع) بروز پیدا کرد.و علی‌رغم اینکه امام حسن(ع) باکمال قاطعیت و صلابت بلافاصله بعد از شهادت پدرشان اعلام بسیج عمومی کردند،لشکر تجهیز کردند، فرماندهان تعیین کردند و اردوگاه جنگی را در کنار کوفه مقرر کردند برای اینکه مردم در آن جمع شوند، سازوبرگ نظامی در آن تجهیز شود، امکانات جنگی فراهم شود و ساماندهی رزم در آن تکمیل شود و از اردوگاه بیرون کوفه مردم به سمت شام حرکت کنند.

# روحیه­ی ضعیف مردم در دوران امام حسن (ع)

ازیک‌طرف امام حسن(ع) باروحیه بسیار پایین و ضعفی که مردم کوفه داشتند این حرکت و برنامه­ریزی­ها را شروع کرد.

و از طرف دیگر با شهادت امیرالمؤمنین(ع) روحیه­ی مردم شام، قوی شده بود.و معاویه هم به عزم و تصمیم با جنگ مردم کوفه از شام بیرون آمد.

و دو لشکری که یکی بر باطل است اما بسیار قوی و باروحیه و دیگری بر حق است اما دارای روحیه­ی ضعیف، دل‌های سست ایمان و گام­های نا ایمان آماده شد.

امام حسن(ع) می­خواهد بادل‌های سست ایمان و گام­های نااستوار مردم کوفه و فرماندهانی که معاویه بسیاری از آن‌ها را با اعزام جاسوس­ها و شایعه‌پراکنی یا خریده و یا ترسانده بود، جنگ را ادامه دهد.روشن است که این مسیر نمی­تواند ادامه پیدا کند. در تاریخ آمده که هم مردم روحیه­ی ضعیفی داشتند و هم فرماندهانی که امام حسن(ع) می­خواست به آن‌ها اعتماد کند،آدم­های سست ایمانی شده بودند. و بعضی از فرماندهانی که از آن‌ها توقع نمی­رفت که فرار کنند و تسلیم معاویه شوند، این‌ها فرار کردند.

در این اوضاع‌واحوال امام حسن(ع) راهی جز صلح نیافت.

# چرا امام حسن (ع) صلح کرد؟

در پاسخ سؤالی که چرا امام حسن (ع) در برابر معاویه­ای که بنای امیرالمؤمنین (ع) بر این بود که او را سرکوب کند و ایشان جان خود را بر سر مقابله و معارضه با معاویه قرارداد.و تصمیم امیرالمؤمنین(ع) بر سرکوبی معاویه بود و ایشان تا مرز پیروزی هم پیشرفت پیدا کرد، اما دلایل و خللی جلوی این پیروزی را گرفت.و قرار امام حسن(ع) هم این بود که همین راه را ادامه دهد. و بعد از شهادت پدرشان ، اعلام تصمیم بر ادامه جنگ داشتند ولی این اتفاق نیفتاد و این جنگ به صلح مبدل شد باید به نکاتی اشاره کرد تا قضیه روشن شود که حرکت امام حسن(ع) یک حرکت سنجیده و بر اساس موازین درست بود.

# صلح و جنگ ارزش مطلق نیست

اولین نکته­ای که در پاسخ این سؤال باید به آن توجه داشته باشیم این است که صلح و جنگ هیچ‌کدام ارزش مطلق نیست و ارزش بودن صلح و جنگ تابع این است که در چه راهی از آن استفاده شود.

# هدف بزرگ الهی

آنچه در اسلام اهمیت دارد هدف بزرگ الهی است.آن هدف الهی اصل، محور و کانون تفکر اسلامی است.گاهی برای وصول، به اهداف بزرگ جنگ و گاهی صلح مفید است.

# مهارت رسول خدا (ص) در جنگ

رسول خدا(ص) ضمن اینکه در معرکه، بسیج عمومی، اعلام کارزار و برپا کردن جنگ­های بزرگ فوق‌العاده مهارت داشتند و در جنگ­های خطیر و حساس با لطف و عنایت خدا گام­های بزرگی برداشتند.

و جنگ­های بدر، احد، خیبر، احزاب و امثال این‌ها نشان­دهنده­ی این است که وقتی موعد جنگ فرامی‌رسید رسول خدا(ص) باکمال قاطعیت وارد عرصه­ی کارزار می­شدند درعین‌حال ما در طول تاریخ رسول خدا (ص) انعطاف، نرمش، صلح و تفاهم حتی با دشمن هم ملاحظه می­کنیم. بسیاری صلح­های دیگر در سیره­ی رسول گرامی اسلام (ص) در تاریخ اسلام ثبت و ضبط‌شده است که حضرت ضمن اینکه قهر، خشم، جنگ و رزم در برابر دشمنان اسلام برمی­افروختند، درجایی هم که لازم بود نرمش نشان می­داد، مصالحه می­کرد، انعطاف نشان می­داد. اما هم آن رزم و نرمش، هم آن جهاد و صلح، هر دو تاکتیک و روش­هایی بودند برای رسیدن به آن مقصد.

# تحقق اسلام و گسترش ایمان

رسول خدا(ص) یک هدف بزرگی را تعقیب می­کرد و آن هدف بزرگ تحقق اسلام و گسترش ایمان در میان جامعه و هدایت خلق خدا بود.

اگر موانع در برابر هدایت و راهنمایی خلق خدا نبود، قلب­های مشتاق آن را می­پذیرفت و بنابراین نیاز به جنگ و جهاد و درگیری نبود اما چون گاهی هم موانع در برابر این مصلحت عالی و هدف بزرگ پیدا می­شد، حضرت جنگ را هم تجویز می­کرد.اما جنگ و صلح برای یک هدف بود. مهم این بود که این حرکت­ها و شیوه­ها و رفتارها در جهت آن مصلحت عالی و آرمان بزرگ الهی قرار بگیرد.این قاعده جنگ و صلح در اسلام است. اسلام اولاً طرفدار صلح، آرامش و امنیت است اما درعین‌حال جایی که هدف بزرگ الهی نیازمند جان‌فشانی، ایثار، گذشت، وارد شدن در کارزارهای سخت و دشوار باشد، البته اسلام جنگ را تجویز می­کند.

بنابراین از نگاه اسلام جنگ و صلح هردو می­توانند هم خوب و هم بد باشند، مهم این است که در چه راهی و برای چه هدفی به کار گرفته شود.

# هدف ائمه طاهرین (ع) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام)

نکته­ی دوم این است که ائمه­ی طاهرین ما و اهل‌بیت عصمت و طهارت از امام امیرالمؤمنین تا ائمه­ی طاهرین بعدی همه دو هدف را تعقیب می­کردند:

1ـ بقای اسلام به‌طور عام و کلی بود.

2ـ بقای جریان حق عطرت و خاندان پیامبر بود. یعنی جریان امامت و ولایت به‌عنوان جریان حق و جریانی که مورد تأیید رسول خدا (ص) بود، حرص بر حفظ این جریان داشتند، ضمن اینکه مصالح کلی عالم اسلام را هم در نظر می­گرفتند.

همه­ی حرکت­های ائمه­ی طاهرین ما، همه­ی اقدامات، تلاش­ها و کوشش­های ایشان بر این است که جریان امامت، ولایت و مسیر هدایت امت و مشعل فروزان عترت رسول خدا (ص) به‌عنوان یک‌راه حق و مسیری که رسول خدا(ص) مردم را به آن توصیه کرد، این راه باقی بماند و این مشعل خاموش نشود هر چه بیشتر پیروان بیشتری پیدا کند اما نه به آن اندازه که با کل مسائل اسلام مقابله کنند.

بنابراین صلح و جنگ امام حسن(ع)، صلح امام حسین (ع) درده سال حکومت معاویه و قیام اباعبدالله الحسین(ع)، جریان دوره­ی امام سجاد(ع)، جریان وسیع فرهنگی که امام باقر و امام صادق(ع) در مدینه و کوفه شروع کردند و حرکت ولایت‌عهدی امام رضا(ع) و سایر اقداماتی که ائمه انجام دادند، چهره­های متفاوت است ولی روح آن‌ها این است که اسلام حفظ شود و جریان امامت و ولایت به‌عنوان وصیت رسول خدا (ص) از بین نرود.

از طرف دیگر در درون جامعه­ی کوفه عوامل مزدور معاویه شایع پراکنی می­کردند، پول و تهدید و تطمیع معاویه در کوفه رواج و گسترش پیداکرده بود.

حضرت وقتی‌که این سخنرانی را کردند، جمعیت فریاد زدند **«بل البُقیُةُ وَ الحَیات»**[[4]](#footnote-4) ما می­خواهیم بمانیم و زنده باشیم و اهل جنگ نیستیم.

امام حسن (ع) می­فرمایند که شما راهی را انتخاب کرده­اید که ذلت آن را می­بینید. جامعه­ای که جنگ درراه خدا و مقاومت و ایستادگی درراه خدا را پشت کند، خداوند از آن جامعه روی خواهد گرداند. و مردم کوفه هم به این بلای بزرگ مبتلا و دچار شدند.

و معلوم بود که این راه به‌جایی نمی­رسد.

# تن دادن امام حسن(ع) به شهادت

یک‌راه هم این بود که حضرت به شهادت تن دهد، که این شهادت هم در آن زمان هیچ نتیجه­ای نداشت، و شهادت امام حسن(ع) در آنجا به معنای این بود که تمام شیعیان قلع‌وقمع شوند. چون شیعه در پایگاه کوفه بود و همه­ی شیعه در آن تجمع داشتند.و حرکت این‌چنینی معنایش این بود که تشیع به‌طور کامل در مقر خود که کوفه است محو و زایل شود.

امام حسن (ع) سر یک سه‌راهی بود که دو راه آن بی­نتیجه بود و طبیعی بود که باید صلح را برگزیند.

علی‌رغم اینکه برای حضرت خیلی سخت بود، حتی نزدیک‌ترین اصحاب به امام حسن(ع) توهین کردند بد و ناسزا گفتند اما حضرت گاهی توضیح می­دهند و گاهی ارجاع به مقام عصمت خود و تأییدی که رسول خدا ص) از مواضع امام حسن و امام حسین (ع) داشتند.

# حفظ جریان امامت و ولایت

بنابراین صلح و جنگ امام حسن(ع) مانند صلح و جنگ امام حسین (ع) در مسیر حفظ جریان امامت و ولایت بود و هدف عمده این بود که هم مصالح کلی اسلام در دنیا رعایت شود و درعین‌حال جریان تشیع با سربلندی باقی بماند و دچار شکست نشود. این مسیری بود که امام حسن (ع) آن را انتخاب کرد. و صلح‌نامه هم، صلح‌نامه­ای بود که علی‌رغم اینکه حضرت هیچ عدد وعده‌ای نداشت ،همه­ی مردم به سستی گراییده­ بودند و امام حسن (ع) لشکری نداشت. علی‌رغم همه­ی این‌ها صلح‌نامه را با یک اقتداری نوشت. چند مورد هم که معاویه می­خواست حضرت را کوچک کند و امثال این‌ها، حضرت همان‌جا در جمع سخنرانی کردند و رسماً اعلام کردند که این حرکت ما بر اساس یک اضطرار بود، هرگز به معنی تأیید معاویه یا مهر صحت زدن بر رفتار و حکومت معاویه نیست.

# شرط‌های امام حسن (ع) برای صلح

در متن صلح‌نامه آمده است که من با معاویه مصالحه کردم برای اینکه به کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) عمل کند و شرط این صلح‌نامه این است که معاویه حکومت را بعد از خودش به دیگری نسپارد. و اینکه مردم در کوفه و شیعیان امیرالمؤمنین(ع) در کوفه و همه­ی عالم در امنیت به سر ببرند.

این‌ها شرط­های حضرت بود که صلح‌نامه یک تصمیم نیست بلکه توافقی است از باب اضطرار و ناچاری برای هدف بزرگ، گرچه برای امام حسن (ع) بسیار سخت بود.

# صلح امام حسن(ع) برای یک مصلحت بزرگ بود

آن شرایط تاریخی و متن و مفاد صلح‌نامه را که کنار هم بگذاریم به‌خوبی به این نکته می­رسیم که صلح امام حسن(ع) برای یک مصلحت بزرگ بود و قطعاً اگر صلح به آن شکل تحقق پیدا نمی­کرد ما در تاریخ تشیع با خسارت­های بزرگی مواجه بودیم. نکته­ی مهم این است که امام حسن و امام حسین(ع) و امام باقر و امام سجاد(ع) فرقی نمی­کند، همه تابع آن هدف بزرگ و تحقق آن آرمان بزرگی هستند که برای آن کوشش می­کردند.

و اگر برای آن‌ها موقع جنگ فرامی‌رسید اهل جنگ بودند .امام حسن(ع) در صفین از رزم­آوران بزرگ بود، بعد از شهادت پدرشان اعلام جنگ کرد و مردانه وارد معرکه و کارزار شد، اما وقتی‌که شرایط اجتماعی که به هجوم دشمن و سستی و کم ایمانی دوستان برمی­گردد، این عوامل موجب شد که همان مرد شجاع و مقتدر و امام حاضر درصحنه علی‌رغم میل خود آن جام زهر را بنوشد. و همین‌طور امام حسین(ع) همان صلح را ده سال ادامه داد و وقتی‌که شرایط تغییر پیدا کرد و زمینه برای یک تحول،حرکت جدید و تحکیم مبانی اسلام و سرکوب شدن دشمن فراهم شد به‌گونه‌ای دیگر عمل کرد و دیگر ائمه هم در جای خود به‌گونه‌ای دیگر عمل کردند.

همه­ی ائمه یک نور هستند، یک هدف را تعقیب می­کنند اما شیوه­ها و چهره­های گوناگون دارد.

امیدواریم که خداوند به ما توفیق معرفت ائمه­ی طاهرین و عشق و محبت بیشتر به آن‌ها و پیروی از را ه نورانی آن‌ها به همه­ی ما عنایت بفرماید.

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ[[5]](#footnote-5)»**

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم‌الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین .**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُون» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی. [[6]](#footnote-6)**

مولایمان امیر مؤمنان(ع) فرمودند: شمارا به تقوا و پرهیزکاری توصیه می­کنم، آگاه باشید که دنیا پشت کرده و از دنیا باقی نمانده است جز مانند مقدار کمی که در ظرف آب باقی می­ماند. دنیا رو به فنا و پایان‌پذیری است. آگاه باشید که آخرت به‌سوی شما روی کرده است و به‌سرعت به سمت شما درحرکت است.هر یک از دنیا و آخرت فرزندانی دارد، تلاش کنید از فرزندان آخرت باشید. هر یک از شما فرزندان دنیا و آخرت در قیامت با اصل خود ملحق می­شوند. امروز روز عمل، تلاش و کوشش است و فردا روز حساب پس دادن ، محاسبه و حساب‌رسی است.از روزی که عمل در آن امکان‌پذیر است برای آن روزی که عمل در آن منقطع می­شود بهره بگیرید.امیدواریم خداوند به همه­ ما توفیق تأسی به اولیاء الهی و بهره­گیری از سیره، سخن و راه نورانی آن‌ها عنایت بفرماید.

رحلت پیامبر بزرگوار اسلام و شهادت سبط اکبر آن حضرت امام حسن مجتبی (ع) و شهادت هشتمین ستاره­ی تابناک ولایت و امامت حضرت امام رضا (ع) را به حضور شما محبان اهل‌بیت و عاشقان عترت پیامبر (ص) تسلیت عرض می­کنم.

امیدواریم که خداوند به ما توفیق افزودن بر آشنایی ما نسبت به این انوار طیبه و پیشوایان امت عنایت بفرماید.

این هفته سالروز لغو قرارداد تنباکو است که با فتوای مهم و سرنوشت‌ساز و تاریخی میرزای بزرگ شیرازی صادر شد.

# واقعه­ی تنباکو

روز 24 اردیبهشت 1270 روزی است که به دلیل تأثیر یک فتوای دو سطری، یک قرارداد ننگین استعماری لغو شد.

واقعه و قرارداد ننگین استعماری تنباکو در زمان ناصرالدین‌شاه منعقد شد و مایه­ی خفت و سرکوبی عزت کشور ما بود.

باهمتی که مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی عالم عظیم‌الشأن و مرد بزرگ تاریخی دوره­ی اخیر عالم اسلام و با هوشیاری و بصیرتی که علمای تهران داشتند و با بیداری مرحوم میرزای شیرازی فتوایی بر ضد قرارداد ننگین استعماری صادر شد. قراردادی که انگلیسی­ها آن را منعقد کرده بودند و به معنای تاخت و ساز بی‌رقیب و بی‌مانع آن‌ها در سرزمین و کشور اسلامی ما بود.

# متن قرارداد تنباکو

متن قراردادی که در تاریخ ثبت و ضبط‌شده نشان‌دهنده این است که آن‌ها با عنوان و سوژه­ی تنباکو، امتیاز کشت و صادر کردن تنباکو را از دولت ایران گرفته بودند، در مقابل این امتیاز مبلغ کمی را به دربار قاجار می­دادند و به این بهانه بخش زیادی از سرزمین کشور ما در معرض تاخت‌وتاز خارجی­ها قرار می­گرفت. این قرارداد منشأ یک حرکتی از مردم، علما، جامعه و پیگیری خاص سید جمال‌الدین اسدآبادی قرار گرفت و در آن مقطع زمانی آن مرجع بزرگ تشیع مرحوم میرزای شیرازی با یک فتوای یک سطری خیلی کوتاه علیه این پیمان و قرارداد ننگین استعماری فتوا صادر کرد.این فتوا یک نقطه­ی عطف در تاریخ جهان اسلام و کشور ما شد.

بسیاری از حرکت‌های ایران در طول چند قرن اخیر منشأ تحول در نقاط دیگر عالم اسلام بوده و حرکت­هایی که علما و مردم ایران در مقاطع گوناگون داشتند، تأثیرات شگرف و عظیمی روی تاریخ و جامعه­ی بشری داشته است.

یکی از مهم­ترین آن‌ها مسئله­ی فتوای ضد قرارداد ننگین تنباکو است. همه­ی مورخین و تحلیل گران قبول دارند که این فتوا و بازتاب عظیمی که فتوای میرزای شیرازی بزرگ در جامعه­ی ما داشت منشأ تحولات بزرگی بود.

ابتدا درباری‌ها و وابستگان به استعمار انگلیس نمی­خواستند بپذیرند که یک فتوای یک سطری از یک مرجع بزرگ تقلید می­تواند این پیامدهای بزرگ سیاسی را در دنیای آن‌وقت داشته باشد، اما کوبندگی این فتوا، ایمان و پایبندی مردم به فتوای مرجع تقلیدشان چنان لرزه بر ارکان این قرارداد ننگین و چنان ضربه­ای به استعمار پیر انگلیس وارد کرد که تا مدت‌ها تحت تأثیر کوبندگی این فتوا بودند.

در سال‌های بعد حرکت­ها، برخوردها و تلقی و دستگاه حکومت انگلیس از این فتوا منتشر شد.خود انگلیسی­ها در دهه­های بعد بسیاری از اسناد آن قصه را منتشر کردند. و به‌خوبی این را نشان می­دهد که اولاً باور نمی­کردند و بعد تسلیم شدند و فهمیدند که فتوا، دین و معنویت چه برد و تأثیری می­تواند داشته باشد.

# فتوای تنباکو قرارداد ننگین استعماری را پاره کرد

بنابراین فتوای تنباکو که با حرکت پشت‌صحنه سید جمال‌الدین اسدآبادی، و با فتوای ظاهری و رسمی مرحوم شیرازی و با مقاومت مردم و علما در شهرهای دیگر بود و با فداکاری و ایثار مردم در سراسر کشور بود، یک قرارداد ننگین استعماری را پاره کرد، بند اسارتی که آن‌ها برای این کشور آماده کرده بودند از بین برد و این باعث شد که مردم بفهمند با وحدت و تقید به موازین ایمانی می­شود کارهای بزرگ انجام داد.

# هوشیاری دشمن

و البته دشمن هم یک هوشیاری پیدا کرد، بسیاری از کسانی که مشروطه را تحلیل می­کنند، حادثه­ی مشروطه و بسیاری از وقایع و اتفاقاتی که در ایران بعدازآن تاریخ که در سال 1270 شمسی بود و بیش از یک قرن از آن می­گذرد و آن واقعه روی مشروطه، وقایع و حوادثی در کشورهای دیگری مثل مصر، عراق و خیلی از کشورها اثرگذار بود.

# درسی که می­توانیم از این واقعه بگیریم

اگر ما دارای روح ایمانی و معنوی باشیم و شرایط زمان را درست بشناسیم و علمای ما هم شرایط و حقایق زمان را بشناسند و ملت و علما و مردم باهم باشند و مصالح کشور را در نظر بگیرند، می­تواند یک فتوا از یک عالم این قرارداد به این عظمت را از بین ببرد و در برابر انگلیس یا کشور کوچکی بایستند و به پیروزی برسند، و قطعاً آن الگو امروز هم وجود دارد، امروز هم اگر جوان، تحصیل‌کرده، روحانی و قشرهای مختلف ما از این بصیرت کافی برخوردار باشند، و اهمیت و نقش دین، اخلاق و معنویت را حفظ کنند در دوره­ی ما هم همان نقش را می­توان امید بست و پیشرفت کشو ر را می­توان در سایه­ی این وحدت و انسجام تحقق بخشید.

# خانواده

روز خانواده به‌عنوان یک روز جهانی که در هفته­ی آینده است.و یکی از خطرهایی که دنیا و غرب در قرن 21 احساس می­کند، فروپاشی خانواده و پدیدار شدن نسلی از فرزندانی است که پشتوانه­ی خانواده و پدر و مادر مهربان ندارند و زمینه­ی خانواده­ی سالم در آن‌ها وجود ندارد.این‌یک خطری است که غرب احساس می­کند و در کشور ما هم این خطر قابل تحقق و تأمل است.

# افزایش طلاق

متأسفانه در آخرین آمار و ارقامی که منتشرشده در سال 80 نسبت به سال 79 آمار طلاق 14% افزایش پیداکرده است. حتی در استان یزد که استانی است که ارکان خانواده در آن استوار است متأسفانه نه با این درصد، با درصد کمتری ما شاهد رشد طلاق هستیم. و همین‌طور آمار و ارقامی که رشد اختلافات خانوادگی و ناهنجاری‌های درون نظام خانواده را در سطح کشور نشان می­دهد.

این آمار و ارقام افزایش طلاق و اختلافات خانوادگی که به طبع آن‌ها افزایش انحراف­ها و کجی­ها و اعوجاج­ها و فسادهای اجتماعی است ، زنگ‌های خطری است که به صدا درآمده و اگر ما و خانواده­ها و نسل جوان ما به جایگاه و منزلت بزرگ خانواده، رعایت اخلاق خانوادگی، مهار کردن ناهنجاری‌های خانوادگی توجه نکنند باید شاهد چیزهای بیشتری هم باشیم.

# مسئله بیکاری و مسائل اقتصادی

البته در این زمینه مسئله­ی بیکاری و مسائل اقتصادی هم تأثیرگذار است اما یک ملت می­تواند با عزم و صلابت، با رعایت اخلاق و ایمان و استواری خود جلوی فروپاشی اخلاق و هنجارهای اجتماعی و نظام مهم خانواده را بگیرد.

مهم­ترین بنا و ساختار نظام اجتماعی در اسلام ساختار خانواده است. و این ساختار قبل از هر چیزی بااخلاق، مهربانی، گذشت و ایثار محفوظ می­ماند و اگر ما از این پایه درست حفاظت کنیم می­توانیم جلوی ناهنجاری‌های دیگر را هم بگیریم.

این‌یک حرف و تحلیل نیست، بلکه یک زنگ خطری است که در شهر ما هم به صدا درآمده است.مسائل خانوادگی هم معلول عللی است که باید آن را کنترل کرد و درعین‌حال اگر ما به مسائل خانوادگی توجه نکنیم، دنبال مسائل ناهنجاری‌های خانوادگی و بی­توجهی به ازدواج به‌صورت سالم و درست و حفظ موازین خانواده منشأ افزایش طلاق و افزایش فرزندانی که عقده‌دارند، کمبود مهر و محبت دارند، افزایش فسادهای اجتماعی و بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی می­شود.

این مقوله در دنیا هم مقوله­ی مهمی است و ما باید با توجه به فرهنگ غنی خود، میراث گران‌بهای دینی، اخلاقی و معنوی، ناهنجاری‌های خانوادگی را کنترل کنیم. و ان­شاءالله خداوند ما را در عمل به وظایف و در رعایت موازین نورانی اسلام موفق و مؤید بدارد.

# دعا

خدایا قلوب ما را به انوار ایمان منور بفرما، گام­های ما را درراه خودت استوار بدار،آسیب­ها و خطرات مادی و معنوی را از جامعه و نسل جوان ما دور بدار، ما را در همه عرصه­ها سربلند و پیروز و موفق بفرما، ارواح مؤمنین و مؤمنات، شهدای والامقام ما و روح بلند امام و ذوی‌الحقوق ما را با اولیاء خودت محشور بفرما، خدمت‌گزاران به اسلام، مقام معظم رهبری را مؤید و منصور بدار، خدایا سلام­های خالصانه­ی ما را به محضر مولایمان حضرت ولی‌عصر ابلاغ بفرما، بر فرج آن حضرت تعجیل بفرما.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. .سوره­ی آل‌عمران آیه­ی 102 [↑](#footnote-ref-2)
3. . روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة)، ج‏1،ص 156 ، مجلس في ذكر إمامة السبطين و مناقبهما ع ..... ص : 156 [↑](#footnote-ref-3)
4. .بحارالانوار،ج 44، ص 21 [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره کوثر [↑](#footnote-ref-5)
6. .سوره­ی آل‌عمران آیه­ی 102 [↑](#footnote-ref-6)